رابطهٔ اعتماد اجتماعی با فردگرایی افراطی در شهر مشهد[۱]

پری‌ناز بیدل*، علی‌اکبر محمودزاده**، احمد صادقی***

مقدمه: *تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان فردگرایی افراطی و رابطهٔ اعتماد اجتماعی با آن، انجام گرفته است. فردگرایی افراطی به عنوان یک آسیب اجتماعی، بر اولویت اهداف فردی و گرایش به خودمختاری تأکید دارد؛ از طرفی، افزایش نفع‌طلبی‌های خودخواهانه، زمینهٔ کاهش دلبستگی و تعهدات فرد نسبت به جامعهٔ ملی را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، افراد در تعارض نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را برمی‌گزینند، حتی اگر به دیگران آسیب برسانند.*

روش: *این تحقیق در سال ۱۳۹۰، به روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه اجرا شده است. جامعه آماری تحقیق، افراد بالای ۲۰ سال شهر مشهد با جمعیتی معادل ۱۵۳۰۸۲۷ نفر بوده و حجم نمونه با فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر برآورد گردید که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شدند.*

یافته‌ها: میانگین فردگرایی افراطی در سطح متوسط (۲/۶) و میانگین اعتماد اجتماعی در سطح پایین (۲) قرار داشت. بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی رابطهٔ منفی وجود داشت. در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، مجموع متغیرهای مستقلی که در مدل نهایی باقی ماندند، ۵۳ درصد از تغییرات فردگرایی افراطی را تبیین کردند که در این میان، تأثیر متغیرهای اعتماد مدنی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن به ترتیب بیشتر بوده است.

بحث: *سطح اعتماد اجتماعی در همه ابعاد تعاملات اجتماعی، پایین بوده و افزایش این بی‌اعتمادی، باعث افزایش فردگرایی افراطی در جامعه شده است.*

کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد مدنی، فردگرایی افراطی

تاریخ دریافت:۹۲/۶/۱۷ تاریخ پذیرش:۹۲/۱۲/۱۳

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه خانم پری‌ناز بیدل در دانشگاه آزاد قوچان به راهنمایی دکتر علی‌اکبر محمودزاده و مشاوره دکتر احمد صادقی بوده است.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، <p.bidel@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران

*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان، ایران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

مقدمه

فردگرایی، فلسفه‌ای است در مورد زندگی که بر اولویت نیازهـای فـردی بـر نیازهـای گروهی، روابط اجتماعی نَه چندان منسجم و گرایش به خودمختاری تأکید دارد (فرانـزوی, ۱۳۸۱). در حالی که مهم‌ترین مؤلفه‌های تعلق اجتماعی، دلبسـتگی، وفـاداری، وابسـتگی و پیوستگی به مای جمعی می‌باشـد (پـولینی[1]، ۲۰۰۰) کـه بـه نـوعی همـان حـس درگیـری شخصی (آنانت[2]، ۱۹۶۶) در یک سیستم اجتماعی است که فرد خـود را بـه عنـوان بخـش جدایی‌ناپذیری از نظام احساس می‌کند (هاجرتی و همکاران[3]، ۱۹۹۲). برعکس، فردگرایـی با افزایش نفع طلبیهای خود خواهانه همراه بوده و زمینه کـاهش تعهـدات فـرد نسـبت بـه جمع و جامعه را افزایش داده و کاهش تدریجی حس مسـئولیت اجتمـاعی و مشـارکت را فراهم می‌کند. بنابراین، فردگرایی نقطه مقابل تعلق اجتماعی است.

از آنجا که فردگرایی بـا روحیـه جمـع‌گرایـی و ایثـار، قابـل جمـع نیسـت، نهایتـاً بـه نادیده‌گرفتن حقوق جمعی می‌انجامد. از این منظر، فردگرایـی در مقابـل جامعـه‌گرایـی یـا سوسیالیسم و اصالت جمع یا کلکتویسم[4]، قرار می‌گیرد (نراقی، ۱۳۸۶). در فرهنگ فردگرا، افراد مستقل و دارای الگوهای یگانه از صفاتی که آنها را از دیگر مردم متمایز مـی‌کنـد، در نظر گرفته شده و در مقابل این استقلال و یگانگی، در فرهنگهای جمع گرا، مـردم خـود را وابسته به گروهی که بدان تعلق دارند، می‌بینند (گونکالو و استاو[5]، ۲۰۰۶). در این جوامـع، بر صداقت و وفاداری به گروه تأکید شده و تصمیمهای گروهـی بـر فـردی ارجحیـت داده می‌شود، در حالی که در فرهنگهای فردگرا، خودِ فرد و امیال و احساسات او بیشتر اهمیـت دارد و افراد در آن وابسـتگیهای درون‌گروهـی گسـترده‌ای ندارنـد و احتیاجـات و علایـق دیگران را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵).

1. Pollini 2. Anant 3. Hagerty
4. collectivism 5. Goncalo and Staw

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

همیشه، وجود حداقلی از جهت‌گیریهای جمع‌گرایانه برای هـر جامعـه ضـرورت دارد، زیرا طیف عمده‌ای از مسائل اجتمـاعی، بـه عـدم «ملاحظـه دیگـران» یـا «دیگربینـی»[1] در رفتارهای فردی و جمعی افراد، باز می‌گردد (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴). بنابرایـــــن، یافتن عواملی که بستر این آسیب اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد و روند فردیت‌گرایی منفی را تسریع و تقویت می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسـد، خودخـواهی و منفعت‌طلبی فردی که در کنشهای افراد جلوه‌گر می‌شود، نتیجهٔ تفسیر منفی افراد از شـرایط اجتماعی است. اگر افراد، محیط پیرامون خود را تهدیدآمیز تلقی کنند، به دیگران بی‌اعتمـاد شده و در پیله حریم شخصی خود فرو می‌روند و احساس انزوا و تنهایی و فردیت‌طلبی در آنان تقویت خواهد شد. در این شرایط، فرد در تعارض نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را ترجیح می‌دهد؛ حتی اگر به دیگران آسیب برساند و یا حتی در مواردی، فـرد در تقابـل بـا دیگران قرار گرفته و به خصومت با افراد جامعه خواهد پرداخت.

باید خاطرنشان کرد، از آنجا که کم و کیف توسعه، بر رفتار افراد جامعه تأثیر دارد؛ عدم توانایی یک جامعه در پاسخگویی به انتظارات افراد آن جامعه، زمینهٔ عـدم دلبسـتگی و بـی اعتنایی افراد به شرایط موجود و مسـیر کنـاره‌گیـری آنـان از تعـاملات ملـی و مشـارکت اجتماعی را فراهم می‌کند. بنابراین، شرایط اجتمـاعی نامتعـادل، هماننـد وجـود تبعـیض و محرومیت، می‌تواند باعث تصور و ادراک منفی در افراد نسبت به جامعه شود که نتیجه آن، نارضایتی اجتماعی و سرخوردگی و مهم‌تر از همه، بی اعتمادی عمومی اسـت (اکـلاک[2]، ۲۰۰۷).

اعتماد اجتماعی، عنصر سازنده ارتباطات ناب اجتماعی می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۲) و برای توسعه حس تعلق جمعی، به عنوان ضروری‌ترین مؤلفه انسجام اجتماعی نیز ضرورت دارد

1. other-regarding
2. Eclac

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

(اکلاک، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، اعتماد اجتماعی سبب اتصال افراد و تقویت روابط جمعی می‌شود و جدی ترین پیامد افزایش بی‌اعتمادی، کاهش تعلق اجتماعی و افزایش فردگرایی منفی خواهد بود.

باتوجه‌به این‌که جامعه ایران به عنوان یک جامعهٔ درحال‌گذار (ربیعی، ۱۳۸۷) در تکاپوی دستیابی به توسعه‌یافتگی است و از دیگر سو، باتوجه‌به نقش فرد در جریان توسعه‌یافتگی، چالشهای ایجادشده در این مسیر چه برای فرد و چه برای جامعه به دلیل اهمیت موضوع، قابل توجه و بررسی می‌باشد و از آنجا که کاهش روزافزون تعلق اجتماعی در برابر منافع و مصالح فردی، ازجمله مهمترین مسائل آسیب‌زای هر جامعه می‌باشد، به‌خصوص «از آنجا که فردگرایی منفی تأثیری تخریبی و ضدتوسعه ای در جامعه از خویش برجای می‌گذارد» (میرزایی، ۱۳۸۰)، امروزه این مسأله بیشتر از قبل مورد توجه محققان قرار گرفته است. به دنبال اهمیت موضوع، تحقیق حاضر در پی بررسی رابطهٔ اعتماد اجتماعی با فردگرایی افراطی در جامعه ایران، انجام گرفته است و به طور مشخص به دنبال پاسخ به این سوالها می‌باشد: «میزان فردگرایی افراطی در شهروندان مشهد چقدر است؟»، «میزان اعتماد اجتماعی در شهروندان مشهد به چه مقدار است؟»، «آیا اعتماد اجتماعی بر فردگرایی افراطی این شهروندان مؤثر است؟»، «هر کدام از ابعاد اعتماد اجتماعی به چه میزان بر فردگرایی افراطی آنان موثرند؟».

پیشینهٔ تجربی

اصطلاح فردگرایی، اولین‌بار در قرن نوزدهم در فرانسه و در واکنش به انقلاب فرانسه و در واکنش به جریان روشنفکری مطرح شد (لوکز[1]، ۱۹۷۱). محققین، عموماً این نظریهٔ دیکشنری انگلیسی اکسفورد را پذیرفته‌اند که فردگرایی از زبان فرانسوی، از طریق ترجمه

1. Lukes

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

هنری ریو[1] در ۱۸۴۰، از کتاب «دموکراسی در آمریکا» از الکسی دوتوکویل[2] که در ۱۸۳۵ منتشر شد، وارد زبان انگلیسی شد. اما کوئن راد استوارت[3] (۱۹۶۲) در کنار اعتقاد به ریشهٔ فرانسوی این اصطلاح، اولین کاربرد آمریکایی آن را به سالهای قبل تر منتسب می‌داند و معتقد است که توسط اگوست کنت[4] در سال ۱۸۲۵، بیان شد و به طور مشخص به وسیله سن سیمون[5] در نشریهٔ «تولیدکننده» در ۱۸۲۶ استفاده شده است (کلایس[6]، ۱۹۸۶).

نتایج تحقیقات متعدد که در رابطه با فردگرایی و جمع‌گرایی در کشورها و فرهنگهای مختلف انجام شده است، نشان می‌دهد که میزان فردگرایی در کشورهای مختلف متفاوت است (دیویدسون[7] و همکاران، ۱۹۸۹؛ مارکوس و کیتایاما[8]، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴؛ باچنیک[9]، ۱۹۹۴؛ اویزرمن[10]، کون و کممل‌میر[11]، ۲۰۰۲؛ هافستید[12]، ۲۰۰۱ و ۱۹۹۸؛ بوند و اسمیت[13]، ۱۹۹۸ و تریاندیس و دیاز[14]، ۱۹۷۶). جمع گرایی، بیشتر در فرهنگ کشورهای آسیایی و فردگرایی بیشتر در کشورهای غربی دیده شده است(اسعدی و دیگران، ۱۳۸۵) و به‌خصوص در فرهنگ اروپای شمالی و غربی و آمریکای شمالی، گرایش بیشتری به فردگرایی وجود داشته است (تریاندیس[15] و همکاران، ۱۹۸۸).

برای نمونه، در تحقیق هافستید (۲۰۰۱) که میزان فردگرایی و جمع‌گرایی در ۷۴ کشور بررسی شده است، گواتمالا، اندونزی و تایوان، نمونه‌هایی از کشورهای جمع‌گرا و ایالات متحده آمریکا با نمره ۹۱ و سپس استرالیا و کانادا نمونه‌هایی از کشورهایی با سطح بالای فردگرایی بوده‌اند. در این بررسی، ایران نمره ۴۱ را در بین ۷۴ کشور در فردگرایی دارا بوده است (باساب و روز[16]، ۲۰۰۵).

آزاده و توکلی (۱۳۸۶) در بررسی «چگونگی وضعیت ارزشهای فردگرایانه- جمع‌گرایانه

1. Henry. Reeve
2. Alexis de Tocqueville
3. Koen raad Swart
4. Auguste Comte
5. Saint Simonian
6. Claeys
7. Davidson
8. Markus and Kitayama
9. Bachnik
10. Oyserman
11. Coon and Kemmelmeier
12. Hofstede
13. Bond and Smith
14. Triandis and Diaz
15. Triandis
16. Basabe and Ros

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

در بین دانشجویان و رابطه آن با گرایشهای دینی و اشکال بازاندیشانهٔ آن»، به این نتیجه رسیدند که به‌طورکلی ۵۱/۷ درصد افراد، فردگرا و ۴۸/۲ درصد، جمع‌گرا هستند، ۱۶ درصد افراد در موقعیتهای مختلف براساس فردگرایی عمودی یعنی جاه‌طلبی و رقابت و ۳۸/۸ درصد بر اساس فردگرایی افقی یعنی جدایی از جمع و گروه عمل می‌کنند. همچنین، در این تحقیق مشخص شده که جمع‌گرایی با همه ابعاد دینداری، ارتباطی معنادار دارد، اما مستقل از بازاندیشی در دین عمل می‌نماید. فردگرایی با بعد تجربی دینداری، رابطه مثبت دارد، ولی با ابعاد اعتقادی و مناسکی و پیامدی، رابطه منفی دارد.

پژوهشی دربارهٔ بی تفاوتی اجتماعی در ایران، توسط محسنی تبریزی و صداقتی (۱۳۹۰) با هدف شناسایی چگونگی این پدیده و سنجش همبستگی آن با برخی متغیرهای مؤثر انجام گرفته است. نتایج آن حاکی از این است که بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزانی بالاتر از حد متوسط وجود دارد و سطح آن به ترتیب با نوسانات پنج متغیر فردگرایی، التزام مدنی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی تغییر می‌کند. در این بررسی، فردگرایی به عنوان عامل مؤثر با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه داشته است.

«نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون گریزی (مطالعه موردی: دانشگاه شهید چمران اهواز)»، عنوان پژوهشی است که با هدف تبیین قانون‌گریزی انجام شده و به بررسی رابطهٔ فردگرایی، پیشرفت گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول به عنوان چهار ارزش فرهنگی برای موفق‌شدن، با قانون‌گریزی، پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول، بر قانون‌گریزی معنادار است (حیدری، ۱۳۹۱).

نتایج تحقیقاتی که در داخل ایران انجام گرفته است (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴؛ مفتخری، ۱۳۸۰؛ قانعی‌راد، ۱۳۸۲؛ امینی، ۱۳۸۳؛ چلبی، ۱۳۸۱؛ معیدفر، ۱۳۸۰؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳؛ فرهنگی، ۱۳۷۷؛ نوروزی، ۱۳۷۵؛ محمدی‌شکیبا، ۱۳۷۹؛ بیات، ۱۳۷۲؛ قاضی مرادی، ۱۳۷۸؛ نراقی، ۱۳۸۰)، نشان می‌دهد که سطح فردگرایی در جامعه ایران بالا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

می‌باشد. به عبارتی، وضع کنونی جامعهٔ ما به گونه ای است کـه افـراد براسـاس تمـایلات، نیازها و علایق فردی خودشان در جامعه رفتار می‌کنند و نـوعی تکـروی، منفعـت‌طلبـی و خودمحوری و به طور کلی فردگرایی منفـی در جامعـه گسـترش یافتـه اسـت (قـانعی‌راد، ۱۳۸۲) به نقل از (موحدی،۱۳۸۵).

یکی از عواملی که می‌تواند میزان فردگرایی را کاهش دهد، افزایش اعتمـاد اجتمـاعی است؛ چراکه اعتماد پایه روابط عاطفی است. از سوی دیگـر، افـزایش همبسـتگی و تعلـق جمعی، می‌تواند اعتماد اجتماعی را افزایش داده و در نتیجه میزان فردگرایی را کاهش دهد. چنانچه معیدفر و جهـانگیری (۱۳۸۸) نیـز بـه بررسـی تعلـق اجتمـاعی در جریـان روابـط اظهاری، برای ایجاد همبستگی و تعهد و دگرخواهی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌انـد کـه تعلق خاطر به مای جمعی، سبب افزایش اعتماد تعمیم‌یافته در بین افراد می‌شود.

ابراهیمی لویه (۱۳۸۵) به بررسی «اعتماد اجتماعی و عوامل مـؤثر بـر آن در بـین مـردم شهر گرمسار» پرداخته است. یافته‌های آن نشان داده که ۶۳/۵ درصـد افـراد، دارای اعتمـاد پایین، ۲۰/۵ درصد، دارای اعتماد متوسط و فقط ۱۶ درصد دارای اعتمـاد بـالا بـوده‌انـد. از سوی دیگر، دگرخواهی و احساس تعلق جمعی، به عنوان یکی از متغیرهای مستقل، رابطـهٔ مثبتی با اعتماد اجتماعی داشته است؛ بدین صورت که با افزایش دگرخـواهی افـراد، میـزان اعتماد اجتماعی بالا می‌رود.

در پژوهشی که معیدفر و دربندی (۱۳۸۵) بـا هـدف برررسـی و شناسـایی متغیرهـای تأثیرگذار بر جمع‌گرایی یا همکاری در دوراهی اجتماعی انجام داده‌اند، مشخص شده است که متغیرهای اعتماد به همکاری دیگران، تعهد عـام، خویشـتن‌داری، دینـداری، تمایـل بـه همکاری، باور به زیانهای عدم همکاری، رضایت از زندگی، دریافت پیامهـای متقاعدکننـده و تجربه واکنش منفی دیگران بر جمع‌گرایی، مؤثرند.

اما بی اعتمادی به افراد و تهدیدآمیزبودن روابط اجتماعی، می‌تواند باعث منفعت‌طلبی،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

خودخواهی و فردیت‌طلبی شود که همه اینها ناشی از شرایط اجتماعی موجود و نحوهٔ تفسیر فرد از آن شرایط می‌باشد. شرایط نامناسب موجود در جامعهٔ ایران، باعث شکل‌گیری ادراک منفی افراد از وضعیت و افزایش حس بی اعتمادی در آنان شده است. چنانکه نتایج تحقیقات متعدد نیز رشد معضل بی‌اعتمادی به‌خصوص کاهش اعتماد تعمیم‌یافته را، در جامعه ایران اعلام داشته‌اند (ساعی، ۱۳۸۹؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۳؛ چلبی، ۱۳۸۱؛ عنایت و همکاران، ۱۳۹۱؛ ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۵؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۹؛ غفاری، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰؛ حبیبی، ۱۳۷۷؛ پیمایشهای ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴؛ سنجش سرمایه اجتماعی سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۵ و پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران، ۱۳۸۴).

در بررسی تحقیقات داخلی پیشین مشخص شد که تاکنون تحقیق کامل و جامعی درباره فردگرایی در ایران انجام نشده است. شکیبا و دیگران (۱۳۹۰) معتقدند که پژوهشهای انگشت شماری در حیطه جمع‌گرایی و فردگرایی در ایران انجام گرفته است که دلیل اصلی آن، نبود ابزار قابل اعتماد و پایاست. بدین منظور، آنان به بررسی روایی سازه مقیاس جمع‌گرایی و فردگرایی (AICS) اوکلند پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان داده که این مقیاس، قابلیت کاربرد در پژوهشهای روانشناسی و جامعه شناسی در ایران را، دارد. بدین منظور، مقیاس ۳۰ سؤالی اوکلند را طراحی کرده‌اند که عامل نصیحت‌پذیری، هماهنگی و احساس نزدیکی با دیگران را برای جمع‌گرایی و منحصربه‌فرد بودن، مسئولیت‌پذیری و رقابت‌جویی را برای فردگرایی، می‌سنجد.

اکثر تحقیقات انجام‌شده در داخل، با هدف توصیف فردگرایی و نقطه مقابل آن یعنی جمع‌گرایی، انجام شده‌است و یا به بررسی فردگرایی به عنوان یک عامل مؤثر بر متغیر وابسته پرداخته‌اند و کمتر تحقیقی به تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر فردگرایی پرداخته است. به‌طورکلی در تحقیقات داخلی، به موضوع اصلی که در پژوهش حاضر مهم می‌نماید، توجه نشده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

چارچوب نظری

۱- نظریه‌های فردگرایی

فردگرایی افراطی یا آنی را می‌توان با یک رویکرد ترکیبی از رویکردهایی که بر خِیر جمعی و عمل اخلاقی (شناختی و عاطفی) تأکید دارند و رویکردهایی که عمل عقلانی را مورد توجه قرار داده‌اند، تبیین کرد. مطابق با این رویکرد، در فرایندهای انتخاب عقلانی، افراد به نوعی «عقلانیت اجتماعی»، می‌رسند که بر این اساس در محدوده شناخت خود و با جهت‌گیریهای اخذشده از هنجارها و ارزشها و در چارچوب ساختارهای اجتماعی، هنگام مواجهه با یک موقعیت متعارض، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که برایشان بیشترین نفع را به دنبال داشته باشد. بر این اساس، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیتهایی قرار گیرد که عقلانیت ابزاری به وی حکم می‌کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند. اما منطق آن نوع خاص از موقعیت، به گونه‌ای است که انتخابِ گزینه نفع فردی توسط او (و کثیری دیگر از کنش‌گران عاقل)، نتیجه‌ای را به دنبال دارد که به زیان همگانی (ازجمله کنش‌گران عاقل) است و این، همان قرارگرفتن فرد در دوراهی اجتماعی است (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴).

ازجمله کلمن (۱۹۶۴) براساس نظریه انتخاب عقلانی، انسان را موجودی منفعت‌جو می‌داند که برای افزایش منافعش دست به محاسبه عقلانی می‌زند (ایمان و غفاری نسب، ۱۳۹۱). کلمن، کنش‌گران را عاملانی هدفمند در نظر می‌گیرد که به آن کنشی اقدام می‌کنند که احتمال موفقیت در آن بیشتر باشد و در این راه، محاسبه سود و زیان خود را می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷).

طبق نظریهٔ کنش اجتماعی وبر نیز، آن نوع رابطهٔ اجتماعی که حاصل کنشِ اجتماعی متکی بر احساس درونی (عاطفه و سنت) افرادی باشد که دارای احساس تعلق به یکدیگرند، تأنیسی است؛ مثل الفت ملی. ولی اگر جهت‌گیری کنش، متکی بر تجانس منافع یا وفاق انگیخته از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

تعقل (ارزشهای عقلائی و مصلحت فردی) باشد، رابطهٔ تأسیسی شکل می‌گیرد (وبر، ۱۳۷۴).

پارسونز نیز در نظریه کنش خود یکی از متغیرهای کنش اجتماعی را که به صورت الگویی عام، معرفی می‌کند، منافع جمعی در برابر منافع فردی است (کرایب، ۱۳۸۲؛ محمدی اصل، ۱۳۸) که طبق آن، «کنش‌گر می‌تواند برحسب اهدافی که کاملاً شخصی و پاسخگوی منافع خصوصی او هستند؛ انتخاب و عمل کند و یا برحسب اهداف و منافعی که در آن با دیگر عمل‌کننده‌ها مشترک و یا جمعی که بدان تعلق دارد، عمل نماید، در این صورت او به نفع جماعت انتخاب نموده است» (روشه، ۱۳۷۴).

در نظریهٔ مبادله و عدالت توزیعی هومنز، اساس کنش افراد را نفع و سود شخصی تشکیل می‌دهد (توسلی، ۱۳۶۹). در این نظریه، انسان از یک سو در جست‌وجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی کاستن هزینه‌ها به حداقل است (هومنز، ۱۳۸۸).

براساس نظریه‌های انتخاب عقلانی و مبادله، فرد، آن چیزی را انتخاب می‌کند که بیشترین رضایت خاطر و منفعت را برایش به همراه داشته باشد و در جریان این انتخاب، آرزوها و عقاید فرد، دلایلی برای کنش او خواهند بود.

جامعه‌شناسان، فردگرایی را دارای ابعاد مثبت و منفی می‌دانند. فردگرایی مثبت که افرادی چون دورکیم، دوتوکویل و مرتون به آن توجه داشته‌اند، معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس، استقلال فردی، خوداثربخشی و احترام به فرد است. فردگرایی منفی که افرادی چون تونیس و رایزرمن به آن توجه داشته‌اند، معطوف به خودمداری، کسب سود شخصی به قیمت متضررشدن دیگران، اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگرا می‌باشد. این دو وجه را تحت عنوان «فردگرایی بیان‌گر» و «فردگرایی سودگرایانه» نامگذاری کرده‌اند (میرزایی، ۱۳۸۰؛ موحدی، ۱۳۸۶).

دورکیم فردگرایی افراطی مذموم را حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و ناشی از خود خواهی می‌داند و آن را ترجیح منافع فردی و گروهی بر جمعی دانسته و فردگرایی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

ناشی از تقسیم کار را پدیده جمعی و مبنای اخلاق و همبستگی درجوامع جدید می‌داند (دورکیم ۱۳۷۸؛ گیدنز، ۱۳۷۸).

در فردگرایی مثبت، به همان اندازه که نیازها و مصالح فردی (من) مهم است، نیازها و مصالح دیگران (ما) نیز مهم است، ولی در نوع منفی اهداف شخصی مهمتر از مصالح جمعی است. دویچ[1] (۱۹۴۹، ۱۹۶۲) فردگرایی را براساس اهداف فرد در ارتباط با دیگران و گروهها، بدین صورت بیان می‌کند: «اگر اهداف فرد، مثبت [موافق گروه] باشد، رابطه براساس همکاری و اگر منفی [در تقابل با گروه]، باشد، رابطه براساس رقابت و مسابقه و اگر اهداف فرد با اهداف گروه در ارتباط نباشد، نوع ارتباط براساس فردگرایی شکل می‌گیرد (تریاندیس و همکاران، ۱۹۸۸). همچنین تجزیه و تحلیل اویزر من، کون و کمل‌می‌یر (۲۰۰۲) نشان داد که جنبه‌های اصلی عقاید فردگرایی، استقلال و یگانگی فردی، با تأکید بر رقابت و موفقیت شخصی و نگرشهای درونی فرد در مقابل با نظرات دیگر مردم است (باساب و روز، ۲۰۰۵). هافستید (۱۹۸۴) پیامدهای فردگرایی را چنین فهرست می‌کند:

- علایق و نیازها و اهداف فردی ترجیح دارند.
- ارزشها و هنجارها، مبنای فردی دارند.
- کسب لذت فردی در اولویت است.
- باورهای فردی متمایزکننده فرد از گروه است.
- استقلال و هویت فردی اهمیت دارند.
- راهبردهای مستقیم و مواجهه رو در رو ترجیح دارد.
- ارتباط بین اعضاء متکی به افراد است، رابطهٔ اعضاء با فاصله زیاد صورت می‌گیرد.
- روابط اجتماعی در بین اعضاء، داوطلبانه بوده و اندازه گروه کوچک‌تر است.
- ورود و خروج به گروه، به راحتی صورت می‌گیرد.

1. Deutsch

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

– دوستیها رنگ کمتری داشته و وفاداری به گروه و شخص دیگر، کمتر است (هوستد و بوند، ۱۹۸۴؛ حسین‌پور، ۲۰۰۵).

۲- نظریه‌های اعتماد

اعتماد اجتماعی، ازجمله مهم‌ترین شاخصهای سرمایهٔ اجتماعی است که نقش کلیدی در تعاملات سازنده ایفا می‌کند. نظریه پردازانی چون پانتام[1] (۱۹۹۲)، فوکویاما[2] (۱۹۹۵)، کلمن[3] (۱۹۹۴)، باربر[4] (۱۹۸۳)، زتومکا[5] (۱۹۹۹)، گیدنز[6] (۱۹۹۲)، بوردیو[7] (۱۹۸۶)، ریتزر[8] (۱۹۹۶)، ترنر[9] (۲۰۰۰) و لومان[10] (۱۹۹۷)، هر کدام به نحوی اعتماد اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند.

از نظر گیدنز، «ارتباط ناب، تنها برای پاداشی به وجود می‌آید که از نَفسِ خود ارتباط، حاصل می‌شود. ارتباط ناب، مستلزم تعهد پیشینی است که نوع ویژه ای از اعتماد شمرده می‌شود. منظور تعهد به نفس، ارتباط و همچنین به شخص یا اشخاص دیگر است. تقاضای صمیمیت، جزء تفکیک ناپذیر ارتباط ناب است که خود، نتیجهٔ همان اعتماد است» (گیدنز، ۱۳۸۲). «اعتماد، ریشه در وابستگی عاطفی دارد. هرگاه عواطف، زمینه رشد یافته و بتواند در میان افراد انتقال یابد، اعتماد، ایجاد و تقویت می‌گردد. در ارتباط با چگونگی انتقال عواطف، او معتقد است، تعاملات اظهاری یا روابط گرم در این زمینه نقش کلیدی دارند. تعاملات اظهاری برخلاف تعاملات ابزاری، حامل عواطف، دوستی و صمیمیت و اعتماد می‌باشند. روابطِ ابزاری، با هدف تأمین منافع شخصی انجام می‌گیرد» (چلبی، ۱۳۷۵).

«زیمل»، با طرح مبادله و بیان منافع پشت سَر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورتهای مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او، بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. ماکس وبر، ضمن تأکید ویژه بر کنش اجتماعی و نیت‌مندی معانی، معتقد بود، منافع،

1. Putnam
2. Fukuyama
3. Coleman
4. Barber
5. Sztompka
6. Giddens
7. Bourdieu
8. Ritzier
9. Turner
10. Luhman

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

موتور کنش هستند و اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش‌هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل‌گرایانه، ایجاد و مستحکم شود (ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵).

از نظر باربر، اعتماد می‌تواند ابعاد متفاوتی به شرح ذیل داشته باشد:

الف) اعتماد به صداقت و درستی، پایبندی بر اصول اخلاقی

ب) اعتماد به کارایی و کارآمدی یا توانایی اجرای وظایف محولهٔ نقش

ج) ترجیح منافع جمعی به منافع فردی (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸).

مشخص شد که عاطفه و وابستگی، باعث اعتماد بیشتر شده و اعتماد، اساس ارتباط عاطفی و تعلق اجتماعی بین مردم است و نبود اعتماد اجتماعی، باعث کاهش حس تعلق اجتماعی و تضعیف اعتماد، باعث فردگرایی می‌شود.

آنچه در پژوهش حاضر مد نظر است، ترکیبی از نظریات ذکرشده (کنش، مبادله و انتخاب عقلانی) است که از یک طرف برای مشخص‌کردن میزان فردگرایی در فرد، به عنوان متغیر وابسته و از سوی دیگر، در پرداختن به اعتماد اجتماعی، که به عنوان متغیر مستقل می‌تواند بر فردگرایی مؤثر باشد. در این پژوهش، با تأکید بیشتر به نظریه انتخابِ عقلانی، همهٔ نظریات مدنظر قرار گرفته است. بنابراین، در این پژوهش با استفاده از یک دیدگاه ترکیبی، فردگرایی، حاصل تفسیر فرد از شرایط اجتماعی و اصلِ انتخاب عقلانی او باتوجه‌به درنظرگرفتن شرایط اجتماعی است که مطابق با آن، در روابط مبتنی بر محاسبات عقلانی افراد به دلیل کاهش عواطف جمعی، مصلحت خود بر جمع را ترجیح داده و بدین نحو فردگرایی منفی در جامعه افزایش می‌یابد؛ چراکه طبق دیدگاه مبادله و انتخاب عقلانی، فرد آن چیزی را بر می‌گزیند که برایش بیشترین سود و کمترین هزینه را در پی داشته باشد. یعنی اگر افراد، شرایط اجتماعی را به نحوی تلقی کنند که باید از شرایط به نفع خود بهره ببرند، خودخواهی و منفعت‌طلبی آنان بیشتر خواهد شد. مثلاً اگر مردم احساس کنند دیگران در جریان کنش، به نفع خود گام بر می‌دارند، آنها نیز چنین خواهند کرد. در این

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جریان، فرد، کنش ابزاری خود را افزایش داده و به مرور زمان دلبستگی به مـای جمعـی را از دست خواهد داد. بنابراین، شرایط نابسامان اجتماعی و تفسیر منفی فرد از کنش خـود و دیگران، می‌تواند فردگرایی افراطی را افزایش دهد.

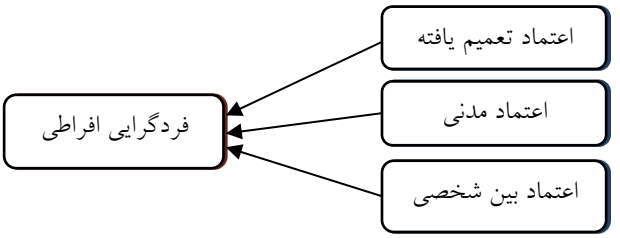
از سوی دیگر در تحقیق حاضر، اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بـر فردگرایی در نظرگرفته شده است. طبق نظر گیدنز، اعتماد اجتماعی پایهٔ روابط جمعی بوده و تقویت عواطف جمعی را به همراه دارد. بنابراین زمینهٔ اجتماعی باید به نحوی باشـد کـه اعتماد اجتماعی را تقویت کند. بدین ترتیب که فرد بتواند در تعاملات خود به هموطنـان و مسئولان جامعه اعتماد کند و احساس اطمینان خاطر از زندگی‌کردن با دیگران داشته باشـد و طبق نظریهٔ مبادله و انتخاب عقلانی، احساس ضرر و زیان نکند، زیرا اگر مردم شرایط را به نفع خود ندیده و در شرایط بی اعتمادی زندگی کنند، به عواطـف جمعـی خدشـه وارد شده و تعلق کاهش می‌یابد و افراد به سمت خودخواهی سوق داده خواهند شـد و چگونـه می‌شود افرادی که به هم اعتماد ندارند، به یکدیگر دلبستگی و وفاداری داشته باشند؟

روش

ماهیت و نوع پژوهش

تحقیق حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامهٔ محقق‌ساخته، انجام شده که از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول: سؤالات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و بخش دوم: سؤالاتی در قالب طیف لیکرت درباره میزان فردگرایی و میزان اعتماد اجتماعی بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]



شکل (۱) مدل نظری تحقیق مبنی بر تأثیر اعتماد بر فردگرایی افراطی

جامعه آماری و جمعیت نمونه

در این پژوهش، جامعه آماری، افراد ۲۰ سال به بالای شهر مشهد در سال ۱۳۹۰ با جمعیتی معادل ۱۵۳۰۸۲۷ نفر بوده‌اند و حجم نمونه تحقیق حاضر پس از قراردادن مقادیر معلوم در فرمول کوکران[1]، ۳۸۴ نفر محاسبه و تعیین گردیده است.

برای تخصیص حجم نمونه، از نمونه‌گیری خوشه ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در این روش، ابتدا نواحی ۴۰گانه در ۱۳ منطقهٔ شهر مشهد در نظر گرفته شده و سپس برای این‌که بتوان نمونه ای معرف‌تر به دست آورد، طبق تحقیقات قبلی (یوسفی، ۱۳۸۸)[2]، نواحی مختلف در ۵ خوشه تقسیم‌بندی شده که از هر خوشه ۲ ناحیه و سپس در هر ناحیه دو بلوک و از هر بلوک تعدادی خانواده و سپس از هر خانواده یک نفر بالای ۲۰ سال، به طور تصادفی انتخاب شده است.

سنجه‌ها

فردگرایی افراطی: در پژوهش حاضر، فردگرایی، نقطه مقابل دگرخواهی است که با

1. Cochran

۲. یوسفی در تحقیق خود مردم مشهد را براساس محل سکونت در ۵ خوشه و به عبارت دیگر ۵ طبقه اجتماعی به ترتیب زیر قرار داده است (خوشه ۱ طبقه بالای بالا، خوشه ۲ بالا، خوشه ۳ متوسط، خوشه ۴ پایین، خوشه ۵ پایین پایین) که از این تقسیم‌بندی در تحقیق حاضر استفاده شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

افزایش حس سودجویی و محاسبه‌گری افراد، همراه بوده و باعث افزایش خودخواهی و ترجیح ارزشها و باورها و منافع شخصی بر جمعی می‌شود.

اعتماد اجتماعی: «اعتماد، یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبین میزان ارزیابی از پدیده ای است که با آن مواجه‌ایم. به عبارت دیگر، اعتماد، احساسی است که فرد یا افراد دربارهٔ چیزی تأییدشده دارند» (عباس‌زاده، ۱۳۸۳)

«اعتماد اجتماعی، بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰). اما در پژوهش حاضر، اعتماد اجتماعی یعنی حس اطمینان خاطر نسبت به صداقت و درستی کنش‌گران در پندار و گفتار و کردارشان که فرد در تعاملات اجتماعی به آن نیاز دارد.

گیدنز، انواع اعتماد را بدین صورت بیان کرده است: اعتماد بنیادین که جهت‌گیری عاطفی- شناختی به سوی دیگران است. اعتماد بین‌فردی، اعتماد به افراد آشنا و افرادی که در روابط رودر رو می‌شناسیم، است. اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به افرادی که نمی‌شناسیم، می‌باشد و اعتماد نهادی یعنی اعتماد به سازمانها، نهادها و افراد حقوقی. (ساعی، ۱۳۸۹؛ گیدنز، ۱۳۸۰؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰). اعتماد مدنی را، می‌توان اعتماد به صحت تصویب و اجرای قوانین و درستکاری و صداقت مسئولان و نهادهای اجرایی دانست که گیدنز آن را در بحث اعتماد نهادی مطرح کرده است. در تحقیق حاضر باتوجه‌به تقسیم‌بندی گیدنز، اعتماد اجتماعی در سه بُعد اعتماد بین‌شخصی، اعتماد مدنی و اعتماد تعمیم‌یافته مطرح شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۱) تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر		متغیرها	تعریف عملیاتی (معرف)	نظریه‌های مد نظر در استخراج معرف‌ها
مستقل	اعتماد اجتماعی	اعتماد بین‌شخصی	اعتماد به دوستان و نزدیکان و خویشاوندان و همکاران و آشنایان	باربر، گیدنز، زیمل، وبر، چلبی
		اعتماد مدنی	اعتماد به: صحت و اجرای تصمیمات و قوانین دولتی، صداقت گفتاری وکرداری مسئولان، درستکاری و صداقت مسئولان در توجه به خواسته‌های مردم	
		اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد به صداقت غریبه‌ها و مردم در امور اجتماعی	
وابسته		فردگرایی افراطی	کسب سود و منفعت، میل به رقابت با دیگران، ترجیح علایق و ارزشهای فردی بر جمعی، استفاده از کارهای غیرقانونی برای کسب سود مثل پارتی‌بازی و رشوه‌خواری برای کسب موفقیت	هومنز، تونیس، رایزمن، هافستید، کلمن، پارسونز، وبر
مستقل		زمینه‌ای	جنس، سن، تأهل، قومیت، تحصیلات، درآمد، وضع اشتغال، نوع شغل، طبقه اجتماعی	

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

روایی پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل‌نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر، تضمین گردیده است. بدین منظور، پرسشنامهٔ طراحی‌شده، به همراه چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش، در اختیار استادان قرار داده شد و نظر آنها در تدوین نهایی پرسشنامه، مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش پایایی، ابزار اندازه‌گیری نیز، از آلفای کرونباخ[1] استفاده شد که آلفای حاصله بدین صورت بوده است.

1. Cronbach's Alpha

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۲) برآورد آلفای کرونباخ برای شاخصهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	M	SD	α
اعتماد بین‌شخصی	۳	۷/۲	۳/۱	۰/۷۰
اعتماد مدنی	۵	۱۲/۴	۵/۱	۰/۷۷
اعتماد تعمیم‌یافته	۳	۴/۹	۲/۹	۰/۶۳
فردگرایی افراطی	۳	۷/۱	۳/۸	۰/۸۴

یافته‌ها

توصیف داده‌ها

۱- یافته‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای

میانگین سن پاسخگویان ۳۴ سال بوده و بیشتر آنها ۳۷ سال سن داشته‌اند. میانگین درآمد پاسخگویان ۱۷۵۱ میلیون تومان بوده است. درآمد نیمی از پاسخگویان کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و نیمی، بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان بوده است، زنان ۵۰/۳ درصد و مردان ۴۹/۷ درصد جمعیت پاسخگویان را تشکیل داده‌اند، فارسها با ۸۰ درصد، بیشترین پاسخگویان بوده‌اند و ۷/۸، ۵/۲، ۳/۵ و ۳/۵ درصد پاسخگویان به ترتیب شامل کردها، بلوچ‌ها، ترکها و لرها بوده‌اند. متأهلین با ۷۵ درصد، افرادی که تحصیلات سیکل و زیر دیپلم داشته اند، ۲۸ درصد، شاغلین با ۷۱ درصد، دارندگان شغل آزاد با ۵۰ درصد و افراد خوشه ۴ (طبقه پایین پایین) با ۲۳/۲ درصد، بیشترین تعداد پاسخگویان را نسبت به دیگران تشکیل داده‌اند.

۲- یافته‌های مربوط به شاخصهای تحقیق

باتوجه‌به نتایج جدول (۳)، میانگین «اعتماد اجتماعی» ۲ و میانگین ابعاد آن در «اعتماد بین‌شخصی» ۲/۴، «اعتماد مدنی» ۲/۳، «اعتماد تعمیم‌یافته» ۱/۶ بود و میانگین متغیر وابستهٔ «فردگرایی افراطی» نیز ۲/۶ از ۵ بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۳) توصیف آماری متغیرهای اصلی

متغیر	داده		M	SD	Min	Max
	گمشده	معتبر				
اعتماد اجتماعی	۱۳	۳۷۱	۲	۱	۱	۵
فردگرایی افراطی	۵	۳۷۹	۲/۶۸	۱/۳۳	۱	۵
اعتماد تعمیم‌یافته	۱۵	۳۶۹	۱/۶۳	۰/۸۰	۱	۵
اعتماد بین‌شخصی	۱۱	۳۷۳	۲/۴۲	۱/۱۸	۱	۵
اعتماد مدنی	۱۴	۳۷۰	۲/۳۴	۱/۲۰	۱	۵

جدول (۴) توصیف پاسخگویان برحسب متغیر اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی

متغیر	داده‌ها	میزان	f	٪	٪ معتبر	٪ تجمعی
اعتماد اجتماعی	معتبر	خیلی پایین	۱۱۱	۲۸/۹	۲۹/۹	۲۹/۹
		پایین	۱۹۹	۵۱/۸	۵۳/۶	۸۳/۶
		متوسط	۳۲	۸/۳	۸/۶	۹۲/۲
		بالا	۷	۱/۸	۱/۸	۹۴/۱
		خیلی بالا	۲۲	۵/۷	۵/۹	۱۰۰
		جمع کل	۳۷۱	۹۶/۵	۱۰۰	–
	گمشده	بی‌جواب	۱۳	۳/۵	–	–
	جمع کل		۳۸۴	۱۰۰		
فرگرایی افراطی		خیلی پایین	۸۶	۲۲/۴	۲۲/۷	۲۲/۷
		پایین	۱۰۴	۲۷/۱	۲۷/۴	۵۰/۱
		متوسط	۸۶	۲۲/۴	۲۲/۷	۷۲/۸
		بالا	۵۰	۱۳	۱۳/۲	۸۶
		خیلی بالا	۵۳	۱۳/۸	۱۴	۱۰۰
		جمع کل	۳۷۹	۹۸/۷	۱۰۰	
	گمشده	بی‌جواب	۵	۱/۳		
جمع کل			**۳۸۴**	**۱۰۰**		

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۵) رابطهٔ بین متغیرهای زمینه‌ای و فردگرایی

فرضیه‌ها	r ،t ،F	p
بین سن و فردگرایی افراد رابطه وجود دارد.	-۰/۲۶۵*	<۰/۰۰۱
فردگرایی برحسب تأهل متفاوت است.	۱۳/۳۹۹***	<۰/۰۰۱
فردگرایی برحسب تحصیلات متفاوت است.	۸/۴۹۰***	<۰/۰۰۱
فردگرایی برحسب طبقه اجتماعی متفاوت است.	۱۰/۹۵۳***	۰/۰۰۹
بین درآمد و فردگرایی رابطه مثبت وجود دارد.	۰/۶۸۸*	۰/۰۲۶
فردگرایی برحسب جنسیت متفاوت است.	۱/۰۵۶**	۰/۳۰۵
فردگرایی برحسب نوع شغل متفاوت است.	۰/۰۹۱**	۰/۹۱۳
فردگرایی برحسب قومیت متفاوت است.	۱/۵۴۷***	۰/۱۸۸
فردگرایی برحسب وضع اشتغال متفاوت است.	۱/۲۱۵***	۰/۲۷۱

F=*** t=** r=*

به عبارتی دیگر، در مجموع، میزان فردگرایی افراطی در ۵۰/۱ درصد پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی در ۸۳/۶ درصد پاسخگویان در حد پایین و پایین پایین بوده است (جدول ۴).

تحلیل داده‌ها

۱- آزمون رابطهٔ بین متغیرهای زمینه‌ای و فردگرایی

باتوجه‌به مقادیر آماری مربوط به رابطهٔ متغیرهای مستقل زمینه ای در جدول ۵؛ متغیرهای «درآمد»، «جنسیت»، «قومیت»، «وضع اشتغال»، «نوع شغل» با «فردگرایی افراطی» رابطه نداشته و فرضیه‌های مربوطه تأیید نشده‌اند، اما متغیرهای «سن»، «تأهل»، «تحصیلات» و «طبقه اجتماعی» با فردگرایی افراطی رابطه داشته‌اند که در این بین، رابطهٔ سن با فردگرایی منفی است؛ بدین معنا که با افزایش سن، میزان فردگرایی در افراد کاهش می‌یابد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۶) مقایسه میانگینهای متغیرهای زمینه‌ای

متغیر مستقل	مولفه	n	M	SD	F	df	*p*
وضعیت تأهل	مجرد	۹۳	۸/۹۲	۴/۴۵	۱۳/۳۹۹	۳۷۶	<۰/۰۰۱
	متاهل	۲۸۲	۶/۶۰	۳/۵۱			
	مطلقه	۴	۷/۰۰	۰/۰۰			
طبقه اجتماعی	بالای بالا	۷۵	۷/۵۳	۴/۲۸	۱۰/۹۵۳	۳۷۸	<۰/۰۱
	بالا	۸۲	۷/۰۴	۳/۷۷			
	متوسط	۵۷	۹/۸۲	۳/۵۳			
	پایین	۸۹	۶/۴۶	۳/۴۷			
	پایین پایین	۷۶	۵/۸۳	۳/۲۸			
تحصیلات	بیسواد	۲۴	۵/۵۰	۳/۵۰	۸/۴۹۰	۳۶۹	<۰/۰۰۱
	سیکل وزیر دیپلم	۱۰۵	۶/۱۳	۳/۵۷			
	دیپلم	۹۳	۶/۸۸	۳/۳۴			
	فوق دیپلم	۸	۱۱/۵۰	۶/۴۸			
	لیسانس	۹۴	۸/۶۳	۳/۹۱			
	فوق لیسانس وبالاتر	۴۶	۸/۱۳	۳/۵۹			

باتوجه‌به جدول (۶)، از نظر فردگرایی، مجردها با میانگین ۸/۹۴۲۷ بیشترین میزان فردگرایی را نسبت به افراد متأهل و مطلقه داشته‌اند، دارندگان مدرک فوق دیپلم با میانگین ۱۱/۵۰، بیشترین میزان فردگرایی را نسبت به گروههای دیگر داشته‌اند. طبقه اجتماعی متوسط با میانگین ۹/۸۲۴۶، بیشترین میزان فردگرایی را داشته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۷) همبستگی بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن و فردگرایی افراطی

متغیر	فردگرایی افراطی	اعتماد اجتماعی	اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد مدنی	اعتماد بین‌شخصی
فردگرایی افراطی	۱				
اعتماد اجتماعی	-۰/۵۹۱**	۱			
اعتماد تعمیم‌یافته	-۰/۲۹۰**	۰/۶۲۶**	۱		
اعتماد مدنی	-۰/۵۸۱**	۰/۸۰۲**	۰/۲۷۱**	۱	
اعتماد بین‌شخصی	-۰/۱۸۴**	۰/۴۷۲**	۰/۰۹۱**	۰/۰۳۰**	۱

$p<۰/۰۱$ **

۲- آزمون رابطهٔ بین اعتماد و ابعاد آن با فردگرایی افراطی

براساس نتایج جدول (۷)، بین برخی از ابعاد اعتماد اجتماعی با همدیگر و بین اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد آن با فردگرایی افراطی، رابطه وجود دارد. طبق این نتایج، بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی ($p<۰/۰۰۱$، $r=-۰/۵۹۱$)، اعتماد مدنی و فردگرایی افراطی ($p<۰/۰۰۱$، $r=-۰/۵۸۱$)، اعتماد تعمیم‌یافته و فردگرایی افراطی ($p<۰/۰۰۱$، $r=-۰/۲۹۰$) و اعتماد بین‌شخصی و فردگرایی افراطی ($p<۰/۰۰۱$، $r=-۰/۱۸۴$) رابطهٔ منفی وجود دارد. یعنی هرچه اعتماد اجتماعی (اعم از مدنی، تعمیم‌یافته و بین‌شخصی) کاهش می‌یابد، فردگرایی افراطی افزایش می‌یابد.

۳- تحلیل رگرسیونی پیش‌بینی‌کننده‌های فردگرایی افراطی

برای بررسی تغییرات همزمان متغیرها بر فردگرایی، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. از متغیرهای واردشده در آزمون، متغیرهای اعتماد مدنی، تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، در مدل باقی مانده‌اند که در گام

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۸) خلاصهٔ رگرسیون چندمتغیره برای متغیرهای پیش‌بینی‌کنندهٔ فردگرایی افراطی

متغیرهای مستقل	B	SES	Beta	t	*p*
اعتماد مدنی	-۰/۴۹۱	۰/۰۳۰	-۰/۶۳۹	۱۶/۵۰۵	<۰/۰۰۱
میزان تحصیلات	۰/۴۰۶	۰/۰۹۴	۰/۱۸۰	۴/۶۲۵	<۰/۰۰۱
طبقه اجتماعی	۰/۴۰۲	۰/۱۰۲	۰/۱۷۰	۴/۳۱۸	<۰/۰۰۱
اعتماد بین‌شخصی	-۰/۱۵۸	۰/۰۴۶	-۰/۱۲۸	۳/۴۲۲	<۰/۰۱
اعتماد تعمیم‌یافته	-۰/۱۲۶	۰/۰۵۱	-۰/۰۹۹	۲/۴۹۹	<۰/۰۵
سن	-۰/۰۳۴	۰/۰۱۴	-۰/۰۹۶	۲/۴۹۰	<۰/۰۵
$R=۰/۷۳۰ r^2 = ۰/۵۳۳ r^2_{adj.} = ۰/۵۲۵ F = ۳۱۲/۷۱۷ \ p<۰/۰۰۱$					
۱۶/۸۷۲=عدد ثابت					

ششم، مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برای پیش‌بینی متغیر فردگرایی از روی متغیرهای باقیمانده در مدل، برابر با ۰/۷۳۰و ضریب تعیین (r^2) برابر با ۰/۵۳۳ بوده است. به این معنا که از روی این متغیرها می‌توان تا حدود ۵۳ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته، یعنی فردگرایی را پیش‌بینی کرد.

همچنین، براساس نتایج جدول (۸) و مقایسه میزانBeta، می‌توان نتیجه گرفت که سهم نسبی تأثیر اعتماد مدنی بر میزان فردگرایی با ضریب ۰/۶۳-، بیشتر از دیگر متغیرها بوده است و پس از آن میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، به ترتیب با ضریب تعیین ۰/۱۷، ۰/۱۸، ۰/۱۲-، ۰/۰۹-، ۰/۰۹- در مراتب بعدی تأثیر گذاری قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

بحث

یافته‌های تحقیق نشان داده که فردگرایی افراطی در جامعه، به میزان ۲/۶ از نمره ۵ بوده است. چنانچه این مقدار را از نمره ۵ یعنی حد ماکسیمم فردگرایی، کم کنیم، نمره‌ای معادل ۲/۴ به دست می‌آید که این، به معنای میزان عدم فردگرایی است. این امر بدان معناست که میزان فردگرایی در جامعه در حد متوسط بوده است. نتایج پژوهش حاضر همخوان با یافته‌های اعظم آزاده و توکلی (۱۳۸۶) است که نشان دادند میزان فردگرایی در جامعه ایران ۵۱/۷ درصد بوده است. همچنین حیدری (۱۳۹۱)، میانگین فردگرایی را به عنوان یکی از ابعاد ازهم‌گسیختگی نهادی در جامعه ایران ۲/۷۳ از ۵ اعلام داشته است. اما معیدفر (۱۳۸۰) و کیانی و لطیفی (فرهنگی، ۱۳۷۷) در بررسیهای خود، ایران را در ردیف کشورهای فردگرا قرار داده‌اند (موحدی، ۱۳۸۵).

در پی بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر فردگرایی افراطی، نتایج آزمونها نشان داد که: فعلاً متغیرهای مستقل «سن»، «تأهل»، «طبقه اجتماعی» و «تحصیلات» با فردگرایی افراطی، رابطه داشته و رابطهٔ متغیرهای مستقل «جنسیت»، «قومیت»، «اشتغال»، «نوع شغل» و «درآمد» با آن معنادار نیست. بدین نحو که فردگرایی افراطی در بین مجردها، افراد با تحصیلات بالاتر و افراد مربوط به طبقه متوسط و طبقات رو به بالا، نسبت به دیگران بیشتر بوده است. همچنین با افزایش سن، میزان فردگرایی افراطی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر افراط‌گرایی منفی در بین جوانان بیشتر بوده است.

اما در مورد فرضیه اصلی تحقیق، یعنی رابطهٔ بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی، نتایج نشان داد که رابطهٔ بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی، معکوس است. به این ترتیب که با کاهش اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی افزایش می‌یابد. چنان که نتیجه تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد، متغیرهای اعتماد مدنی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، در مدل نهایی آزمون رگرسیونی ۵۳ درصد از کل تغییرات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

فردگرایی افراط‌گرایی را، تبیین کرده‌اند. اما از میان ابعاد اعتماد اجتماعی، «اعتماد مدنی» با بتای ۰/۶۳-، بیشترین تأثیر را بر فردگرایی داشته است و سپس میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، به ترتیب با ضریب ۰/۱۸، ۰/۱۷، ۰/۱۲-، ۰/۰۹-، ۰/۰۹-، در مراتب بعدی تأثیرگذاری قرار داشته‌اند. بدین ترتیب، مبانی نظری تحقیق نیز تأیید شده است، چنانچه در نظریه مبادله، رابطهٔ اجتماعی مسلط در جوامع مدرن، مبادله است و از آنجا که یکی از مهمترین شرایط مبادله، اعتماد است، بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جامعه، تجزیه شده و عدم اعتماد در جامعه باعث گسترش منفعت‌طلبی و خودخواهی خواهد شد.

از سوی دیگر، میزان اعتماد افراد به نزدیکان و آشنایان، اعتماد به ساختار سیاسی و مدنی جامعه و اعتماد به غریبه‌ها و دیگر مردم به ترتیب با میانگین ۲/۴، ۲/۳ و ۱/۶ از ۵، نشان‌دهنده کاهش اعتماد مردم در همهٔ سطوح زندگی اجتماعی بوده و مهمترین عاملِ تقویت فردگرایی، منفی بوده است.

از آنجا که میزان اعتماد تعمیم‌یافته به مراتب پایین تر از اعتماد مدنی و بین‌شخصی بوده است، بدین معناست که افراد به درستی و صداقت هموطنان شان در گفتار و کردار اعتقادی نداشته و نسبت به روابط اجتماعی با آنان احساس مثبتی نداشته‌اند. همچنین، میزان اعتماد افراد به ساختار سیاسی و مدنی جامعه، نشان‌دهندهٔ کاهش اعتماد مردم نسبت به مسئولین، در صحت تصویب و اجرای قوانین می‌باشد و باتوجه‌به پایین‌بودن میزان اعتماد بین‌شخصی، می‌توان گفت که بی‌اعتمادی حتی به روابط و تعاملات با افراد نزدیک‌تر مثل خویشاوندان، دوستان و همکاران نیز رسوخ پیدا کرده است. می‌توان پیش‌بینی کرد که با تداوم شرایط نامناسب اجتماعی و افزایش بی اعتمادی، افزایش جهت گیریهای فردگرایانه در جامعه رو به افزایش خواهد بود. نتایج تحقیق حاضر، هم راستا با نتایج پژوهشهای کتابی و دیگران (۱۳۸۹)، ابراهیمی (۱۳۸۵)، حیدرآبادی (۱۳۸۹) عنایت و دیگران (۱۳۹۱)، محسنی تبریزی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

دیگران (۱۳۹۰) و معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸) که حاکی از کاهش میزان اعتماد، به‌خصوص در بُعد اعتماد تعمیم‌یافته است، می‌باشد.

باتوجه‌به یافته‌های تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار جامعه به گونه‌ای بوده که نتوانسته از مردم جلب اعتماد کند. به عبارتی، زمینهٔ بی‌اعتمادی در بستر جامعه نهفته است و خودِ جامعه، شرایط انقباضِ اعتماد اجتماعی را فراهم کرده است. در نتیجه، ضعف و نارسایی در ساختار نامناسب جامعه، این بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. در توضیح آن می‌توان گفت که شرایط جامعه و عملکرد نهادهای آن برای پاسخگویی به انتظارات مردم بسیار ضعیف بوده و نتیجه اینها، گسترش بی اعتمادی و در نهایت نوعی فردگرایی منفی نیز در جامعه بوده، به گونه‌ای که فرد به دلیل وجود شرایط اجتماعی نامطلوب، سعی می‌کند در تعارضِ نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را بر گزیند، حتی اگر به دیگران و جامعه آسیب برساند.

پیشنهادها

۱- نهادها و مسئولین نظام با درست‌کاری در اجرای قوانین، در جهت پاسخگویی به انتظارات مردم، می‌توانند به افزایش اعتماد اجتماعی کمک کنند؛ چراکه در غیر این صورت، میثاق ملی، حالت صوری و کاذب پیدا خواهد کرد و عموم تصور خواهند کرد که این میثاق فقط برای مردم نوشته شده و برای مسئولین جامعه جنبه نمایشی دارد.

۲- پاسخگو بودن دولت در برابر اعمال خود می‌تواند به افزایش اعتماد مدنی در جامعه کمک کند، به‌خصوص قراردادن افرادی با توانایی پاسخگویی بیشتر در سمتهای دولتی، می‌تواند حسن ظن افراد را تقویت کند.

۳- باتوجه‌به این‌که افراد به دلیل عدم توانایی در جهت برآورده‌کردن نیازهای ابتدایی خود و رسیدن به اهداف اولیه خود، از طریق درست، مشکل داشته‌اند، ارزشهای جمع گرایانه را زیر پا می‌گذارند. لذا می‌توان رفع حداقل نیازهای همه افراد را، در اولویت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

برنامه‌های دولت قرار داد.

۴- از سوی دیگر، نقش و تأثیر عوامل اجتماعی‌شدن در ترویج اعتماد اجتماعی و نهادینه‌کردن تلفیق جمع‌گرایی نسبت به اجتماع ملی با فردگرایی مثبت و اخلاقی در همه ابعاد جامعه، حائز اهمیت است؛ چراکه این امر ضمن حفظ استقلال فردی، خوداثربخشی، احترام به خود، خود شکوفایی و خود باوری افراد، از خودمداری و سودجویی جلوگیری کرده، فردیت‌طلبی را کاهش و وابستگی و دلبستگی به جمع را افزایش خواهد داد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ References

- ابراهیمی لویه، ع. (۱۳۸۵). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار. ***پیک نور***، سال هفتم، شماره سوم، ۶۵-۸۴.
- ازکیا، م و غفاری غ. ر. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. ***نامه علوم اجتماعی***، شماره ۱۷، ۳-۳۱.
- اسعدی، س. و اعتصام، ف.، کیم، ام.، نابت، ای. و رضایی، ف. (۱۳۸۵). رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی. ***تازه‌های علوم شناختی***، سال هشتم، ۱۷-۲۲.
- اعظم آزاده، م. و توکلی، ع. (۱۳۸۶). فردگرایی و جمع‌گرایی و دینداری. ***فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات***، دوره ۳، شماره۶، ۱۰۱-۱۲۵.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. ***فصلنامه نمایه پژوهشی***، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۰-۴۲.
- ایمان، م. و غفاری نسب، الف. (۱۳۹۱). بررسی فردگرایی روش شناختی و چالشهای آن در علوم اجتماعی. ***جامعه‌شناسی کاربردی***، سال بیست و سوم، شماره اول(۴۵)، ۱-۱۸.
- توسلی، غ. (۱۳۶۹). ***نظریه‌های جامعه‌شناسی***. تهران: انتشارات سمت.
- جوادی یگانه، م. و هاشمی، س. ض. (۱۳۸۴). تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دو راهی اجتماعی) و عوامل موثر بر آن. ***نامه علوم اجتماعی***، دوره ۲۶، ۱۴۱-۱۷۳.
- حسین پور، ر. (۲۰۰۵). فردگرایی و جمع‌گرایی و جهانی‌شدن. ***کنفرانس بین‌المللی هویت و جهانی‌شدن***، استراسبورگ فرانسه، بازیابی در ۱۲ اردیبهشت، ۱۳۹۱، از: http://pourhosein.ir/index.php?option=com_content.
- حیدری، آ.، رضادوست، ک. و فروتن کیا. ش. (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون گریزی: مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. ***مسائل اجتماعی ایران***، سال سوم، شماره ۲، ۳۹-۵۹.
- حیدرآبادی، الف. (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن. ***مجله تخصصی جامعه‌شناسی***، سال اول، شماره ۱، ۳۹-۶۶.
- چلبی. م. (۱۳۷۵). ***جامعه‌شناسی نظم***. تهران: نشر نی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ References

- دورکیم، ای. (۱۳۷۸). ***خودکشی***. ترجمهٔ نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ربیعی، ع. (۱۳۸۷). بحرانهای اجتماعی ایران امروز. ***مجله جامعه‌شناسی ایران***، دوره هشتم، ۵۱-۸۰.
- روشه، جی. (۱۳۷۴). ***کنش اجتماعی***. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ساعی، ع. (۱۳۸۹). ***تحلیل فازی اعتماد اجتماعی*** (مطالعه موردی: اعتماد شهروندان به شهرداری تهران). تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. ***نامهٔ انجمن جامعه‌شناسی***، سال اول (۱)، ۱۰۰-۱۱۲.

شکیبا، ع.، بهرامی، ف. و کاوه فارسانی، ذ. ا. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی تأییدی و ویژگیهای روان‌سنجی مقیاس فردگرایی- جمع‌گرایی (AICS) اوکلند. ***دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی***، سال دوازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۵)، ۲۰-۳۰.

- عباس‌زاده، م. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد دانشجویان. ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال چهارم (۱۵)، ۲۶۷-۲۹۱.
- عنایت، ح.، موحد، م. و حیدری، الف. (۱۳۹۱). مطالعه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان ۱۵ تا۲۹ سال ساکن در شهرهای شیراز و یاسوج. ***جامعه‌شناسی کاربردی***، سال بیست و سوم (۴۵)، شماره اول، ۸۱-۱۰۴.
- فرانزوی، ای. (۱۳۸۱). ***روان‌شناسی اجتماعی***(مترجم: مهرداد فیروز بخت و منصور قنادان). تهران: رسا.
- کتابی، م.، ادیبی سده، م.، قاسمی، و. و صادقی ده چشمه، س. (۱۳۸۹). سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستانهای چهارمحال و بختیاری. ***جامعه‌شناسی کاربردی***، سال بیست و یکم، شماره چهارم(۴۰)، ۹۷-۱۲۲.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). ***بنیادهای نظریه اجتماعی***. ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کرایپ، وای. (۱۳۸۲). ***نظریه اجتماعی کلاسیک***. ترجمهٔ شهناز مسمی‌پرست، تهران: انتشارات آگه.
- گیدنز، اِی. (۱۳۸۰). ***پیامدهای مدرنیت***. ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ References

- گیدنز، اِی. (۱۳۸۲). ***تجدد و تشخص***. ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، اِی. (۱۳۷۸)، ***سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی***. ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، ع.، معیدفر، س. و گلابی، ف. (۱۳۹۰). بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه. ***جامعه‌شناسی کاربردی***، سال بیست و دوم، شماره اول پیاپی(۴۱)، ۴۱-۷۰.
- محسنی تبریزی، ع. و صداقتی فرد، م. (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی). ***جامعه‌شناسی کاربردی***، سال ۲۱، شماره ۳(پیاپی ۴۳)، ۱-۲۲.
- محمدی اصل، ع. (۱۳۸۷). ***جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز***. تهران: نشر علم.
- معیدفر، س. و جهانگیری، پ. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه موردی شهر ارومیه. ***دانشنامه علوم اجتماعی***، دورهٔ ۱ (۱)، ۴۸-۶۷.
- معیدفر، س. و دربندی، س . ع. (۱۳۸۵). بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرانه شهروندان تهرانی. ***مجله جامعه‌شناسی ایران***، دوره هفتم، شماره ۳، ۳۵-۵۸.
- موحدی، م. (۱۳۸۵). نگاهی به نیم‌رخ فرهنگی ایرانیان. شورای عالی انقلاب فرهنگی http://iranculture.org/UserFiles/pajhohesh/kalan/m15
- میرزایی، ح. (۱۳۸۰). بررسی میزان فردگرایی در میان اقشار اجتماعی مختلف. ***آینه پژوهش***، ج ۴، ۱۸-۲۲.
- نراقی، آ. (۱۳۸۶). لیبرالیسم: فردگرایی یا خویشتن‌مداری. ***شهروند امروز***، شماره ۳۳، بازتاب اندیشه، ۹۵، ۱۵-۲۲.

هزار جریبی، ج. و صفری شالی، ر. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان. ***فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی***، سال بیستم، شماره ۴ (پیاپی۳۶)، ۱۷-۳۸.

- هومنز، جی. کا. (۱۳۸۸). ***رفتار اجتماعی و اشکال ابتدایی آن***. ترجمه علی اکبر محمودزاده، شیروان: سخن گستر.
- وبر. م. (۱۳۷۴). ***اقتصاد و جامعه***. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر مولی.
- یوسفی، ع. (۱۳۸۸). طبقه‌بندی اجتماعی نواحی شهر مشهد. ویرایش اول، ***معاونت***

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

References منابع و مآخذ

فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد، ۱–۲۷.

-Adams, R. J., Wilson, M. and Wang, W. C. (1997). The Multidimensional Random Coefficients Multinomial Logit Model. ***Applied Psychological Measurement***, *21*(1), 1-23.

-Andrich, D. (1978). A rating formulation for ordered response categories. ***Psychometrika***, *43*, 561-573.

-Hedeker, D. (1999). MIXNO. Chicago: University of Illinois Press.

-Hedeker, D. & Gibbons, R. (1996). MIXOR: a computer program for mixed-effects ordinal regression analysis. ***Comput Methods Programs Biomed***, 157-176.

-Holland, P. and Wainer, H. (1993). ***Differential Item Functioning***.

-Karimlou, M., Zayeri, F., and Salehi, M. (2011). ***Archives of Iranian Medicine***, *14*(4), 281-287.

-Masters, G. (1982). A Rasch model for partial credit scoring. ***Psychometrika***, *47*, 149-174.

-Skrondal, A., Rabe-Hesketh, S., and Boca Raton, F. (2004). Generalized Latent Variable Modeling: Multilevel, Longitudinal and Structural Equation Models: Chapman & Hall/ CRC Press.

-Wang, W. C., Yao, G., Tsai, Y. J., WangJ.D., and Hsieh, C. L. (2006). Validating, improving reliability, and estimating correlation of the four subscales in the WHOQOL-BREF using multidimensional Rasch analysis. ***Quality of Life Research***, *15*, 607-620.

-Wilson, M. and Hoskens, M. (2005). Multidimensional Item Responses: ***Multimethod-Multitrait Perspectives Applied Rasch Measurement: A Book Of Exemplars***. California: Springer.

-Wolfinger, R. (1999). ***Fitting nonlinear mixed models with the new NLMIXED procedure***. Paper presented at the Proceedings of the 99 Joint Statistical Meetings.

-Right, B., Linacre, J., Gustafson, J. E. and Martin, L. P. (1994). Reasonable mean-square fit values. Rasch Measurement, Transactions. ***Rasch Meas Trans***, *8*, 370.

-Wright, B. and Stone, M. (1979). *Best Test Design*. Chicago: Measurement, Evaluation, Statistics, and Assessment Press.

-Wu, M., Adams, R., and Wilson, M. (1998). ConQuest (Version 2). Australia: ***Australian Council for Educational Research***.

- Yazdani, K. (2010). ***Constructing a "quality of life" questionnaire using the WHOQOL-100 questionnaire and the Rasch analysis***. Ph.D, Tehran.

40–Basabe & Ros. (2005). Cultural dimensions and social behavior correlates:individualism-collectivism and power distance. ***Revue Internationale De Psychologie sociale***, 189-225.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

References منابع و مآخذ

Basabe, N., & Ros, M. (2005). Cultural dimensions and social behavior correlates:individualism-collectivism and power distance. Revue Internationale De Psychologie sociale, 189-225.

Claeys, G. (1986, Jan-Mar). Individualism, Socialism, and Social Science : Further Notes on a Process of Conceptual Formation, 1800-1850. ***Journal of the History of Ideas,*** 47, 81-93.

ECLAC. (2007, May). Social cohesion: inclusion and a sense of belonging in the United Nations. Santiago, Chile: Santiago.

Goncalo, J. A., & Staw, B. M. (2006). Individualism–collectivism and group creativity. ***Organizational Behavior and Human Decision Processes***100, 96–109.

Hagerty 'etal". (1992, (June)). Sense of Belonging: A Vital Mental Health Concept. ***Archives of Psychiatric Nursing,*** Vol.VI, 172-177.

Hosted, g., & Bond, H. (1984). Hofstede's culture dimensions: an independent validation using Rokeach's value survey. ***Journal of Cross-Cultural Psychology,*** 15, 417-433.

Lukes, S. (1971, Jan-mar). The Meanings of Individualism. ***Journal of the History of Ideas,*** 32, 45-66.

Pollini, G. (2000). Social Belonging Second Edition-. (E. F. Borgatta, & R. J. Montgomery, Eds.) ***Encycclopdia of sociology***.

Triandis "etal". (1988). Individualism and Collectivism: Cross-Cultural Perspectiveson Self-Ingroup Relationships. ***Journalo of personality and Social Psychology,*** 54, 323-338.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]